

BP

۴۱/۴

ج ۹۴/۱

نیلی پور، مصطفیٰ، ۱۳۲۶ -

حسین (ع) معمار شہادت / مصطفیٰ نیلی پور۔

امفیہان: مہبان، ۱۳۸۲.

۸، ۱۶۸ ص.

ISBN 964-93888-9-3

فہرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

۱. حسین علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق.

۲. واقعہ کربلا. الف. عنوان.

۲۹۷/۹۵۳

BP ۴۱/۴/۹۴ج ۵

۲۸۷۲-۸۲

کتابخانہ ملی ایران

حسین علی معمار شہادت

مؤلف: مصطفیٰ نیلی پور

ناشر: انتشارات مہبان - گروه علمی فرهنگی کوثر - ۹۱۳۳۱۴۳۸۵۴

شمارگان: ۵۰۰۰

چاپ: اول / ۱۳۸۳

لیتوگرافی: آسمان

چاپخانہ: فجر

مدیر تولید: جمال آرا

شابک: ۳-۹-۸۸۸-۹۳-۹۶۴

حسین علیہ السلام
معارف و دست

مصطفیٰ نیلی پور

پیام کتاب:

الاسلام

محمدی الحدوث (محمدی الوجود)

و حسینی البقاء

اسلام

با نبوت محمدی درخشید

و با حماسه حسینی جاودانه شد

در این مجموعه سعی شده است به مناسبت سال عزت و افتخار حسینی

به مواظن شجاعت حسینی و یاران

و مروت حسینی و یاران

و غیرت و حمیت حسینی و یاران

و ایثار و فداکاری حسینی و یاران

و دفاع از حق حسینی و یاران

و پایداری و استقامت حسینی و یاران

در هفت بخش

امام در مدینه

امام در مکه

امام در مسیر کربلا

امام در کربلا

امام پس از شهادت

رهنمودهای عملی و کلامی

و ضمانم

در قالب گفت و گو مطالبی ارائه شود

امید است که مورد قبول افتد

رمز ماندگاری اسلام

رمز جاودانه شدن و ابدی ماندن اسلام، پنج مرحله بعثت و رستاخیز است که هر یک مکمل دیگری است و لازم و ملزوم هم‌اند. بطوریکه بدون وجود هر کدام ماندگاری اسلام تحقق نمی‌پذیرد.

بعثت نبوی خطوط کلی دین را تنظیم کرد و این حقیقتی است که در طول تاریخ تغییر ناپذیر مانده ولی ضرورت‌ها و نیاز زمان از یک طرف و نفوذ سلیقه‌های شخصی و دستکاریهای جاهلان و مغرضان در امر دین، دنیاپرستی و دین‌فروشی عده‌ای و بالاخره قداست‌یافتگی دستگاه خلافت، رستاخیزی این جهانی‌امامان را نیازمند است تا علاوه بر بدعت سوزی و پیرایه شویی، پاسخگوی مقتضیات زمان که با روح اسلام سازگار است باشند و دین را با همان طراوت نبوی به جوامع عرضه کنند.

بعثت نبوی، علت محدثه دین و مظهر دین کامل است و نهضتی است همه جانبه همراه با الگوهای فکری و عملی در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی.

بعثت و نهضت علوی: علت مبقیه و مظهر اکمال دین است.

بعثت و نهضت حسینی: علت مبقیه دین و مظهر رستاخیز علیه کجروی‌ها و بدعتها و نهضتی در تمام ابعاد اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، عبادی و نظامی است.

بعثت و نهضت صادقی: علت مبقیه دین و مظهر نهضت فرهنگی جامع و تامة دینی است.

بعثت و نهضت مهدوی: نه تنها علت مبقیه دین و مظهر عینیت بخشی به همه اهداف نبوی است بلکه نهضتی است بر مبنای تحقق همه اهداف انبیاء الهی.

کلامی با حسین (علیه السلام)

حسین جان

نمی دانم ترا با چه شعری بسرایم؟

و با کدامین خامه توصیفت کنم

ای معنی حیات

و ای حیات برتر

ای آبروی بشر

ای افتخار جن و ملک

ای غیرت بزرگ

ای شعر بلند عشق

ای وادی نور

ای محل التقای جریانهای عظیم

ای بهترین آغاز

و ای بهترین امتداد

و ای بهترین فرجام

ای مجرای فیض الهی

ای خاشع ترین عابد

ای دلسوخته ترین مصلح

ای بزرگترین انسان مسؤول

ای وارسته ترین زاهد

ای عاطفی ترین انسان

ای افراشته ترین چکاد در دفاع انسان

ای پاک ترین رهبر

ای سرسخت‌ترین حق‌گزار در عرصه‌های زیست بشر
ای تربیت یافته زهرا و علی
تو غرش آسمان پر بارانی
تو سر فصل انقلاب بزرگ جهانی در همه قرون
تو کعبه دل‌هائی
تو سرود آفتابی
تو فریاد بزرگ ندائی
تو دریای خونی
تو جزیره آرامش و قرار ایمانی
تو گوینده لاهوتی
تو رمز قرآنی
تو یک کهکشان پر ستاره‌ای
تو شعله‌ها بر افروختی
تو همه اسلامی
تو تجسم ارزش‌هائی
تو میلاد حیاتی
تو لاله در ویرانه‌ها کاشتی
تو سطر عنوان نجات ما نوشتی
و تو معمار شهادتی

مدخل

پرتوی از جاذبه عشق، دامنم را در گرفت و مرا بدان حوزه کشاند، تا به دارالسلام عشق رسیدم. در این جا بود که پیران و جوانان و نرجوانان عاشق و شیفته رخ نشان دادند. آنچنان بازار عشق پر رونق بود و محاوره‌ها و گفتگوها گرم و نگاهها پرمعنا که عبارت بُوَصِفْتُ وَلَا يَذْرُكُ را تداعی نمودم.

التهاب و گرمای عشق، از خود بی خودم کرد، احساس کردم در جهانی دیگر، در آن سرای، همه چیز رنگ و بویی دیگر داشت. با فرهنگ عشق و مکالمه در آن وادی، آشنا نبودم. از اینروی مدتها در آن نشئه ماندم تا آنس گرفتیم و سرانجام اندکی آموختم که سخن را چگونه آغاز کنم و سیاق کلام را بر چه پایه‌ای بنیان نهم.

مدتها ماندم و ماندم و به سیر و سیاحت پرداختم. با خود گفتم: حال که توفیق همدمی نصیبم گشت تا در جرگه عاشقان پیشگان بار یابم، به خود جرأت دادم تا بتوانم به پیشگاه سالار عشق نزدیک گردم آن که تربیت‌کننده عشق و بلکه معمار عشق است.

زمزمه کردم:

آنانکه فای را به نظر کیمیا کنند

آیا شود که گوشه چشمی به ما کنند

مُلهَم شدم:

او که با دشمن این نظر دارد

دوستان را کجا کند مهر و مهر؟

او که زهیر را به گرمای عشق خود دگرگون نمود و انسانی دگرش ساخت

او که آلودگی‌ها و بیگانگی‌ها و تیرگی‌ها را تصفیه و همه را دلداده و اسیر خود نمود

با یک کهکشان عشق مواجه شدم، منظومه‌ها و ستاره‌های فراوان عشق، نظرم را جلب کرد.

دریافتم که باید کتاب عشق را خواند و خواند.

آهنگ عشق را حسین سرود و حسینیان می‌شرایند.

پرتو جاذبه سالار عشق گرمی‌ام بخشید و مرا که ذره‌ای بیش نبودم در سایه آن روح بلند تعالی یافتم. ملتسمانه خواستم مرا در فضای سال شست هجری قرار دهد و آنچه بر او و اهل بیت مطهرش گذشت از مدینه - از مکه - از مسیر کربلا - از کربلا - از شهادت برایم بازگوید.^(۱) و او گوشه‌ای از آنچه را بر خود و یاران و خاندانش گذشته بود بدین گونه نقل کرد:

۱- نوشته‌های این کتاب به صورت مصاحبه تنظیم گردیده، باشد که مورد توجه همگان به ویژه جوانان قرار گیرد امید آنکه خوانندگان عزیز لغزش‌های نویسنده را گوشزد نموده و با تذکرات روشنگرانه خود گامی در راه بهبود این کار بردارند.